

# راجع بسرقت

## ۱ - سلب تصرف مالك :

ازاله تصرف مالك عبارت است از خارج نمودن مال از تصرف صاحب مال بقصد تملك وغيره .

بنابراین کسی هم که مشرف بموت باشد و ما کولی را برای سد جوع و حفظ حیات خود از دیگری ببرد دزد است انهایه جهت مزبوره مخفی خواهد بود .

## ۲ - برداشتن مال مسروق از جای خود :

در فهم این عنوان ناچار از بحث در سه جهت ذیل می باشیم :

(۱) چه اموالی قابل سرقت است ؟

(۲) چه کاری دزدی است ؟

(۳) چه وقت سرقت تمام میشود ؟

## ۱ - چه اموالی قابل سرقت است ؟

شرط مهم و اساسی در تحقیق سرقت بردن مال است . و بردن محقق نخواهد شد مگر در اموال منقوله زیرا فقط اموال منقول قابل نقل و تحویل از محلی بمحل دیگر خواهد بود . و در اموال غیر منقول این معنی متصور نیست . و با اینحال اگر مال مسروق بصورت اولی خود غیر منقول باشد ولی سارق بتدائیری آنها بشکل منقول در آورد و نقل و تحویل دهد سرقت است مانند زغال و سنگ های معدنی خواه صاحب معدن آنها مهیا برای نقل و تحویل نموده و یا هنوز استخراج نشده باشد و دزد خود مباشر استخراج آن گردد .

و همچنین است درب خانه و پنجره که دزد اولاً آنها بکنند سپس آنها سرقت نماید این صور در حکم اموال منقول خواهد بود :

بنابراین مقدمه ثابت شده فوق الذکر اشیائی که وجود خارجی ندارند و با تهیج قابل نقل و تحویل نمیباشند مانند نظریات علماء حقوق و فلاسفه و اطباء و اشعار شعرا و اختراعات اساتید صنعت و فن قبل از آنکه نوشته شود بر فرض که دیگری آنها را بنام خود جلوه دهد سرقت

سرقت لغتاً بردن مال غیر است مخفیانه و در شریعت اسلام نیز تقریباً به همین نحو تعریف شده و نصاب مال شرط جواز اجراء حد میباشد . در قانون مجازات ما برای دزدی تعریفی نشده است لذا ناچاریم بسایر قوانین مراجعه نموده تا ماهیت آن کشف شود در قانون رم سرقت چنین تعریف شده است ( بردن مال دیگری بدون اجازه و رضایت او بقصد سلب تصرف مالك و تملك خود ) بنابراین تعریف اگر کسی مال دیگری را ببرد نه بقصد تملك بلکه برای اضرار و بخشش بقراء و غیره در نظر آن قانون این عمل سرقت نیست زیرا قصد تملکی در بین نمیباشد ولی قوانین امروزه اغلب قصد تملك را شرط تحقق سرقت ندانسته بنابراین بردن مال غیر ولو بقصد اتلاف یا برای مقصد مقدس از قبیل دادن بمریضخانهها و امثال آن در نظر اکثر قوانین امروزه عمل مزبور سرقت است فقط قانون ایتالیا و آلمان در تحت تأثیر قانون رم واقع شده و در قانون ایتالی بدین نحو تعریف میشود ( کسی که مال منقول دیگری را از محلی که مال در آنجا واقع است بدون رضایت صاحب مال و بقصد انتفاع ببرد دزد است ) در قانون آلمان ( کسی که مال منقول دیگری را بیکس از طرق غیر مشروع و بقصد تملك ببرد دزد است ) . قانون فرانسه اینطور مینویسد ( کسی که بیکس از طرق غیر مشروع چیز را ببرد دزد است ) . قانون انگلیس ( تصرف در مال غیر بصورت غیر مشروع دزدی است ) . از تعاریف مذکوره معلوم میشود که فعلاً هم بین قوانین کشورهای متدنه دنیا مشابهت تامه نبوده و در عین حال با مطالعه کامل و تفحص در نظریات اساتید و علمای حقوق معلوم میشود برای تحقق سرقت وجود سه رکن لازم است :

اولاً - آنکه مقصود از گرفتن مال سلب تصرف مالك باشد .

دوم - مال از محل خورد برداشته شود .

سوم - مال متعلق بغير باشد .

نیست. اما اگر نوشته شد از امور بستگی در خارج وجود یافته و بدون رضایت صاحب آن سرقت خواهد بود.

ولی راجع بالکتریسته اساتید حقوق در این موضوع اختلاف نظر دارند. محاکم انگلیس و آلمان رأی داده‌اند که استفاده از قوه الکتریسته چه نسبت بکسی که اساساً جزء شرکاء نبوده و یا جزء شرکاء است ولی زائد بر میزانی که مورد قرارداد بوده استفاده کند دزدی نیست. زیرا قوه الکتریسته وجود خارجی ندارد بلکه صرفاً خاصیت و اثر است. و چون دو دولت مزبور مشاهده نمودند که محاکم باین طریق رأی میدهند ناچار استفاده از قوه الکتریسته را بصورت غیر مشروع جرم مستقلی قرار داده و برای او مجازاتی غیر از مجازات سرقت مقرر داشته‌اند. اما محاکم فرانسه از لفظ «شیئی» که در تعریف سرقت در قانون خودشان مذکور است و در صدر مقاله ترجمه آن ذکر شد استفاده از قوه الکتریسته را بنحو مزبور سرقت تشخیص داده چه شیئی اعم از ماده و خاصیت میباشد.

ب - اگر بطریق اشتباه مالی بدست دیگری افتاد و خود آنرا تملك نمود مثل اینکه بالتروئی بخرد و در حقیقت آن پولی باشد یا مدیون زیاد بردین خود اشتباهاً بدان بردارد و دائن عالملاً در زائد تصرف و تصاحب نماید یا بجای پول نیکل پول طلا داده شود یا ماور پست اشتباهاً و بر حسب شباهت اسمی مال امانتی را بغیر صاحب مال دهد در این صور آیا تصاحب چنین مالی دزدی است؟ تمام علمای حقوق میگویند دزدی نیست زیرا تصاحب کننده مالی را از دیگری نبرده است بلکه آن مال بغیر طریق ربودن باو رسیده و با اختیار و رضایت باو داده شده است و در فرض اخیر میگویند اگر ماور پست اسم او را بپرسد و او خود را شخص صاحب امانت معرفی کند و بدینوسیله از ماور پست مال متعلق بغیر را بگیرد کلاه برداری کرده است نه دزدی.

ج: اگر مدیون از دائن مطالبه سندی که باو سپرده است بنماید و اظهار کند میخواهد بدهی خود را پردازد ولی بعد از گرفتن سند از دادن وجه خودداری کند اکثر اساتید و علمای حقوق میگویند این شخص دزد است و بدین طریق استدلال مینمایند که دائن قبض را برای آن داده است که پول خود را بگیرد و چنانچه مدیون بدون آنکه وجه را بدهد سند را تصاحب کند بردن مال غیر است بدون رضایت او و دزدی است.

نیست. اما اگر نوشته شد از امور بستگی در خارج وجود یافته و بدون رضایت صاحب آن سرقت خواهد بود.

ولی راجع بالکتریسته اساتید حقوق در این موضوع اختلاف نظر دارند. محاکم انگلیس و آلمان رأی داده‌اند که استفاده از قوه الکتریسته چه نسبت بکسی که اساساً جزء شرکاء نبوده و یا جزء شرکاء است ولی زائد بر میزانی که مورد قرارداد بوده استفاده کند دزدی نیست. زیرا قوه الکتریسته وجود خارجی ندارد بلکه صرفاً خاصیت و اثر است. و چون دو دولت مزبور مشاهده نمودند که محاکم باین طریق رأی میدهند ناچار استفاده از قوه الکتریسته را بصورت غیر مشروع جرم مستقلی قرار داده و برای او مجازاتی غیر از مجازات سرقت مقرر داشته‌اند. اما محاکم فرانسه از لفظ «شیئی» که در تعریف سرقت در قانون خودشان مذکور است و در صدر مقاله ترجمه آن ذکر شد استفاده از قوه الکتریسته را بنحو مزبور سرقت تشخیص داده چه شیئی اعم از ماده و خاصیت میباشد.

محکمه تمیز ترکیه در ۲۹ کانون دوم ۱۳۲۹ اینطور رأی میدهد (استیفاء بشخص مشترک زیاد بر آن قدراری که قرار داده کرده است بوسیله لامپهایی که بیشتر نور مصرف میکنند دزدی است).

ولی بدین استدلال که قوه الکتریسته از موادی است که قابل احراز است.

## ۲ - چه عملی میتواند محقق سرقت باشد؟

گفته شد که یکی از شرایط اساسی دزدی گرفتن مال است و این مفهوم محقق نخواهد شد مگر در مال منقول و چون نسبت بهمین قسمت هم فروض مختلفه دارد باختلاف موارد آراء و فتاوی علمای حقوق مختلف است.

الف - اگر کسی لقطه (مال گم شده) را بردارد دزد است یا نه؟

جمعی از علمای حقوق میگویند سرقتی که موجب عقوبت میباشد بردن مال غیر است از حرز آن و در مورد لقطه هر چند تصاحب آن غیر مشروع است ولی چون حرزی در کار نبوده دزدی محسوب نمیشود زیرا لقطه در

### ۳ - چه وقت سرقت تمام میشود؟

گفته شد که دزدی عبارت از بردن مال منقول است در محل آن بنا بر این علمای حقوق متفقند بر اینکه گذاردن دست روی مال قبل از آنکه آنرا از جای خود بردارد دزدی نیست ولی اختلاف در ماهیت نقل و تحویل شده است برخی بر آنند که صرف برداشتن مال از جای خودش که صاحب آن گذارده بوده کافی است برای تحقق سرقت و همینطور محکمه تمیز فرانسه رأی داده است ولی دسته دیگر میگویند این مقدار کافی برای تحقق عنوان سرقت نیست بلکه باید دزد علاوه از بردن مال خود را هم بمامنی که صاحب مال نتواند او را بگیرد برساند مثلاً: اگر دزد کیسه پولی را برداشت و قبل از آنکه از خانه خارج شود دستگیر شد در این صورت جرم سرقت محقق نشده است حتی دسته از علما دست بالاتر را گرفته میگویند شرط است در تحقق جرم سرقت رسانیدن مال مسروق بمقصودی که دزد برای نگاهداری آن در نظر گرفته است مثلاً: اگر دزدی قصد کند مالی را از محلی بدزد در فلان غار آنرا پنهان کند چنانچه ببردن آن مال موفق شد ولی قبل از آنکه بنار رساند دستگیر شود دزدی محقق نشده است.

در قانون مجازات ما ماده نیست که بتوان در حل این مشکلات بدان مراجعه نمود ولی از محاکم تمیز کشورهای مختلفه آراء مختلفه در این موضوعات صادر شده است. محکمه تمیز ترکیه در ۱۳۳۰ چنین رأی میدهد (اگر دزد قبل از خروج از خانه دستگیر شد در صورتیکه حامل اشیاء مسروقه باشد سرقت محقق نیست و شروع ناقص است) و هیئت عمومی دیوان مزبور چنین رأی میدهد (اگر دزد گندم را از مخزن خارج کرد و در کیسه خود ریخت و در حالیکه میروید هنوز بمقصد نرسیده دستگیر شد سرقت محقق نیست بلکه شروع به سرقت تمام می باشد).

### ۳ - اگر مال متعلق بغیر باشد

راجع باین رکن و شرط اساسی باید در سه مسئله

بحث نمود:

اولاً: مال مسروق باید قابلیت تمك را داشته باشد

بنا بر این ربودن دختری و یا طفلی و یا شخص عادی و حبس کردن او سرقت نیست بلکه این اعمال سلب حریت شخصی است زیرا پس از آنکه قانون اسرقاتی در کشورهای متدینه عالم نسخ شد بشر مالیت ندارد ولی اینرا نمیتوان قیاس بسرقت اشیائی که نگاهداری آنها برای افراد ممنوع است نمود مانند اسلحه سرد و گرم زیرا این اشیاء مالیت داشته

النهایه باید بدولت تسلیم شود.

ثانیاً: اینکه مال مسروق ملك دیگری باشد یا بتبعیر

شرعی اسلامی مجرور باشد بنا بر این تصاحب اشیاء مباحه مانند آب و هوا قبل از آنکه بوسیله حرز ملك غیر شود دزدی نیست بر این مقدمه اگر با شرکت میاه قراردادی راجع ببقاوری از آب بسته شد و زیاده از آن مقدار استیفاء گردید دزدی است زیرا آب ملك شرکت خواهد بود و نیز چیزهایی که از آنها اعراض شده مانند باقیمانده از بنا مانند سنگ و شن و امثال آن که بواسطه ریختن در معبر حکایت از اعراض کند بردن آنها سرقت نیست ولی نمیتوان آنرا بکف اموال یا اشیاء زینتی آنها قایمه کرد چه کسان متوفی از آن اعراض ننموده بلکه بوی تخصیص داده اند. ثالثاً: مال مسروق باید ملك غیر سارق باشد بنا بر

این اگر کسی مال خودش را که پیش خودش از طرف محکمه تأمین شده یا بشخص ثالث سپرده شده یا راهن مال مرهون را تصرف و تصاحب نماید سرقت نیست زیرا قرار تأمین ملك را از ملکیت صاحب مال خارج ننموده و رهن نیز مرهون را ملك مرهون نمیسازد و بهمین جهت این اعمال جرائم مستقله تشخیص و مجازات مخصوصه دارد ولی اگر یکی از شرکاء مال شرکت را که در دست شریک است بدون رضایت او ببرد علمای حقوق در سرقت بودن آن اختلاف دارند برخی بر آنند که چون شریک نسبت بسهم شریک دیگر اجنبی است بردن سهم او بدون علم و رضایتش تصرف غیر مشروع در مال غیر خواهد بود و محکمه تمیز فرانسه همین قسم رأی داده و قانون جزای ایتالیا این عمل و تصاحب یکی از ورثه را نسبت بترکه مشترک سرقت تشخیص داده است (اما نسبت بانواع سرقت و اسباب

مشده در مقالات بعدی تشریح خواهد شد).

علی حائری شاه باغ- وکیل عمومی تمیز